



## نگاهی نو به جایگاه فقهی و حقوقی اطاعت بانو از شوهر در اسلام

مسعود ربانی

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف نگاهی نو به جایگاه فقهی و حقوقی اطاعت بانو از شوهر در اسلام انجام شد. موضوع اطاعت بانو از شوهر در اختلافات بین زوجین سهم قابل توجهی را به خوداختصاص داده است. آنچه از رأی فقها به دست می آید این است که ریاست شوهر بر بانو امری الزامی است اما در مقابل مرد نیز به رعایت مواردی ملزم گردیده است. بهانه گیری و ابراز ناراضایتی در خانواده ها از یکدیگر اگرچه غالباً به خاطر حیا، از موضوعات دیگر به این موضوع نسبت داده می شود اما در عرف و افکار عمومی رابطه تنگاتنگی با موضوع اطاعت بانو از شوهر دارد. شناخت حدود ریاست زوج و حدود اطاعت زوجه می تواند راهگشای مناسبی در رفع بسیاری از این اختلافات باشد. زیرا عده ای گمان می کنند معنای اطاعت بانو از شوهر این است که زن باید تابع محض دستورات همسر باشد در حالی که با بررسی در این زمینه معلوم می شود نظر قانونگذار این است که مدیریت باید براساس مشارکت و با تکیه بر مهر و عطف صورت پذیرد

**واژگان کلیدی:** اطاعت، استقلال، تمکین، ریاست، زوجین، قوامیت

## مقدمه

آنچه را که ما به عنوان مقررات سازمان خانواده می‌شناسیم رفتارهایی است که هریک از زوجین باید به آن متعهد و پایبند بوده و خود را ملزم به رعایت آن بدانند. تقویت و تضعیف سازمان خانواده ارتباط بسیار نزدیکی با التزام زوجین به وظایف خود دارد. اختلالات و بروز مشکلاتی در رعایت وظایف، که نوعی هنجارشکنی نیز محسوب می‌گردد، باعث افزایش چشمگیر میزان پرونده‌های خانوادگی در دادگاه‌ها و به تبع آن افزایش میزان طلاق در سطح جامعه است.

وظایف بانویی و شوهری از جمله مهم‌ترین وظایف در هر خانواده‌ای است که می‌تواند باعث ثبات یا تزلزل ارکان خانواده باشد. وظایف زوجین در قبال یکدیگر که از آن به اطاعت بانو و ریاست شوهر یاد می‌شود در واقع برگرفته از آیات و روایات ما می‌باشد. قضاوت صحیح نسبت به زنان و مردان، نیازمند تأمل در آیات و روایات و قوانین مربوطه است و همواره باید مراقب بود تا هیچ یک از این دو جنس مورد ظلم واقع نشوند و هر یک در جایگاه مناسب خود قرار گرفته و به مسئولیت‌های خود پایبند باشند.

آیه شریفه: «الرجال قوامون على النساء بما فضل... بعضهم على بعضی و بما انفقوا من اموالهم...» (سوره نساء/۳۴).

«مردان سرپرست و نگهبان زنانند، به‌خاطر برتری‌هایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است و به‌خاطر انفاق‌هایی که از اموالشان (در مورد زنان) می‌کنند».

## معنای قوامیت

علامه طباطبایی در معنای «قوامون» می‌نویسد: «کلمه «قیّم» به‌معنای کسی است که مسئول قیام به امر شخص دیگری است و کلمه «قوام» و نیز «قیام» مبالغه در همین قیام است» (المیزان، ج ۴، ص ۵۴۳).

در تفسیر راهنما چنین آمده است: «قوام به کسی گفته می‌شود که تدبیر و اصلاح دیگری را برعهده‌دارد. شوهران، وظیفه‌دار سرپرستی و مدیریت همسران خویش هستند» (تفسیر راهنما، ج ۳، ص ۳۶۵).

آنچه مشخص است اینکه خداوند متعال در این آیه شریفه مسئولیت اداره امور خانواده و حمایت از آن را برعهده مرد نهاده است و مطابق آنچه از تفاسیر بر می‌آید، قیّم بودن مرد به‌معنی مسئول حفظ و اداره امور زندگی بودن مرد می‌باشد.

حال چه سرپرستی مردان به زنان را در همه امور بپذیریم و چه نپذیریم، در اصل مدلول آیه، یعنی ریاست مرد بر زن خدش‌های وارد نمی‌شود.

قانون مدنی که بر گرفته از قرآن و روایات می‌باشد نیز مطابق ماده ۱۱۰۵ چنین می‌گوید:

«در روابط زوجین، ریاست خانواده از خصایص مردان است» و این مطابق آیه‌ی ۳۴ سوره نساء است که خداوند فرمود: «الرجال قوامون على النساء.....».

البته این موضوع را قرآن کریم تنها برای اینکه ریاست مرد را تعیین کند وارد نشده، بلکه علاوه بر تعیین یکی از دو نفر برای ریاست، مسئولیت آنان را نیز بیان کرده است که با رجوع به تفاسیر می‌توان اینها را دریافت. مثلاً در تفسیر راهنما، خانواده، را به‌صورت یک واحد اجتماعی می‌نگرد که به مسئول اداره امور نیازمند است، و اساس و قوام و دوام این واحد اجتماعی را مدیریت بر مبنای مشارکت و با تکیه بر مهر و عطف و وفا می‌داند (تفسیر راهنما، ج ۳، ص ۳۶۵).

## رابطه قوامیت مرد با استقلال زن

بیشتر مفسرین و محققین قوامیت مرد را به قیام برای اداره نمودن خانواده معنا نموده‌اند و در واقع مرد را مدیر و حامی افراد خانواده معرفی کرده‌اند و این تفاوت دارد با اینکه نظام حاکم با خانواده را یک نظام تک‌قطبی و دیکتاتوری و بلکه نظامی بدانیم. البته اگر شخصی از افراد خانواده به‌عنوان مدیر و حامی افراد معرفی گردیده، این نشان از تصمیم حکیمانه می‌باشد.

شاید عده‌ای گمان می‌کنند که مراد از قوامیت مرد این است که زن باید تابع محض دستورات دیکتاتوری مرد باشد اما دقت در آیات و همچنین روایات موجود این موضوع را تبیین می‌کند که: «منظور از قیام در اینجا، عبارت است از ریاستی که فرد قوام در

اداره و اختیار مرئوس دارد و معنای این ریاست، مقهور بودن و بی‌اختیاری بودن مرئوس به‌گونه‌ای که اقدام به هیچ عملی نکند مگر آنچه را که رئیسش خواسته است، نمی‌باشد؛ زیرا قیّم کسی بودن، عبارت از ارشاد و مراقبت بر اوست در اجرای آنچه که رئیسش بر او راهنمایی کرده و به معنی ملاحظه و توجه در اعمال و تربیت مرئوس می‌باشد» (تفسیرالمنار، ج ۵، ص ۶۹).

علامه طباطبایی درباره‌ی ارتباط قوامیت مرد با استقلال زن می‌نویسد:

«معنای قیومیت مرد برهمسرش این نیست که آزادی را از اراده زن و تصرفات او در آنچه مالک است سلب کند و معنای قیومیت مرد این نیست که استقلال زن را در حفظ حقوق فردی و اجتماعی او و دفاع از منافعش را از میان بردارد. پس زن همچنان استقلال و آزادی خود را دارا است. هم می‌تواند حقوق فردی و اجتماعی خود را حفظ کند و هم می‌تواند از آن دفاع کند و هم می‌تواند برای رسیدن به این اهداف به مقدماتی که او را به اینها نایل می‌سازد متوسل شود» (المیزان، ج ۴، ص ۵۴۷).

### ریاست مرد در قانون مدنی

در قانون مدنی حق ریاست به مرد داده شده است اما این حق ریاست همان‌طور که قبلاً نیز گفتیم، به معنای دیکتاتور بودن رئیس خانواده نمی‌باشد، بلکه بیشتر جنبه هدایت‌کنندگی و هماهنگ‌کنندگی دارد. چنانچه در ماده ۱۱۰۲ می‌گوید: «همین که نکاح به‌طور صحت واقع شد، روابط زوجیت بین طرفین موجود و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل همدیگر برقرار می‌شود»

و در ماده ۱۱۰۳ چنین می‌گوید: «زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند»

و همچنین در ماده ۱۱۰۴ می‌گوید: «زوجین باید در تشدید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود با یکدیگر معاضدت نمایند».

همانطور که از مواد قانونی فوق بر می‌آید حقوق و تکالیف متقابل زوجین مبتنی بر صحت نکاح است و پس از آن همکاری و همگامی زوجین در امور مربوط به خانواده است و از آنجا که در هر نظامی اجرای منظم امور نیازمند به ناظمی می‌باشد لذا مطابق ماده ۱۱۰۵ در روابط زوجین، شوهر به‌عنوان رئیس خانواده معرفی شده است.

حق ریاست مرد را در مواردی چند می‌توان جستجو کرد از جمله در ماده ۱۱۱۴ ق.م که حق تعیین مسکن به مرد داده شده است: «زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند، سکنی نماید، مگر آنکه اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد».

و نیز در ماده ۱۱۱۷ ق.م می‌گوید: «شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه و صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد، منع کند»

این ماده حکایت از این موضوع دارد که چون ریاست خانواده برعهده شوهر است، می‌تواند در جهت مصلحت خانواده و به‌منظور تشدید مبانی خانواده در راستای شرایط مقرر در قانون از اشتغال زن، در صورت منافی بودن با مصالح خانواده، جلوگیری به‌عمل آورد.

### ریاست شوهر در رأی فقیهان

صاحب جواهر (ره) ریاست شوهر را امری مسلم دانسته است. ایشان ضمن بحث از حقوق متقابل شوهر و بانو، روایاتی را به اختصار آورده‌اند که از مباحث مطرح شده توسط ایشان تلویحاً ریاست شوهر استفاده می‌شود. ایشان در جواهر می‌نویسد:

«هریک از زوجین بر دیگری حقی دارد که واجب است صاحب حق، آن حق را بپا دارد البته بعضی از حقوق غیر الزامی است و انجام آن مستحب است» (جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۱۴۸).

سپس ایشان می‌گوید: «وظیفه الزامی شوهر نفقه می‌باشد که عبارت است از پوشاک، خوردنی و نوشیدنی و اسکان و در مقابل وظیفه الزامی بانو نسبت به شوهر تمکین می‌باشد که عبارت از استماع است» (همان).

امام خمینی (ره) نیز در این مبحث نوشته‌اند:

«هریک از بانو و شوهر بر دیگری حقی دارد که باید آن حقی را به‌جا آورد، اگرچه حق شوهر بیشتر است. از حقوق شوهر بر بانو آن است که بانو شوهر را اطاعت کرده، و نافرمانی نکند، بدون اجازه شوهر از منزل خارج نشود..... در روایات آمده بانو در صورت

شوهر داشتن حق ندارد از مال خود صدقه، هبه و یا نذر کند، مگر در مصرف حج، زکات، نیکی به والدین و صلہ رحم ...» (تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۰۳).

آنچه از رأی فقها به دست می‌آید این است که ریاست شوهر بر بانو امری الزامی است اما در مقابل مرد نیز به رعایت مواردی ملزم گردیده است.

### حدود ریاست زوج (حدود اطاعت زوجه)

آنچه مشخص و معلوم است به خاطر تفاوت‌هایی که از نظر کلی، بین زنان و مردان وجود دارد خداوند وظیفه سرپرستی از خانواده را بر عهده مرد قرارداده است و این اعطاء حق سرپرستی به خاطر تعهداتی است که مردان در مورد انفاق و پرداخت هزینه‌های مالی در برابر زنان به عهده دارند.

البته از این نکته نباید غفلت کنیم که اگر روابط زوجین در کانون خانواده بخواند صرفاً بر پایه اصول خشک حقوق باشد، خانواده صفا و صمیمیتی نخواهد داشت. و از محبت و فداکاری و از خودگذشتگی در میان اعضای خانواده بی‌بهره خواهد ماند. باتوجه به این موضوع، به بررسی برخی آثار حقوقی مترتب بر ریاست مرد می‌پردازیم.

#### ۱- تمکین زن از شوهر

تمکین، به‌عنوان یکی از آثار حقوقی قوامیت مرد، همواره مورد تاکید فقها و حقوقدانان بوده است. اما همانطور که قوامیت مرد مطلق نیست، تمکین نیز مطلق نیست.

تمکین به معنای اطاعت بی‌چون و چرای زن از مرد در همه امور و مسایل زندگی نمی‌باشد بلکه، «ضابطه تمکین، رفتار انسانی متعارف است» (کاتوزیان، ج ۱، ص ۲۲۷).

کاتوزیان، در تبیین معنای تمکین می‌نویسد: «لزوم تمکین به این معنا نیست که احساس زن به حساب نیاید، زن در روابط زناشویی ماشین بهره‌برداری نیست، انسان است و باید با او چنان رفتار شود که شخصیت انسان اقتضاء می‌کند» (حقوق خانواده، ج ۱، ص ۲۲۸).

البته در مسایل حقوقی معیاری که به وسیله آن انتظارات شوهر به‌عنوان رئیس و سرپرست خانواده، تعیین و مشخص می‌شود، عرف است

#### ۲- اختیار حق طلاق برای مرد

شارع مقدس اسلام طلاق را به‌عنوان راه‌حل خروج از زندگی مشترک در صورت عدم امکان دوام زوجیت ارایه کرده است و یک پدیده حقوقی در زندگی خانوادگی است که در اسلام از مشروعیت برخوردار می‌باشد.

اما آنچه گفته شده که مرد می‌تواند هر وقت بخواهد زن خود را طلاق دهد به معنای مطلق العنان بودن طلاق به دست مرد نمی‌باشد، بلکه طلاق به شکلی متعادل و منطقی و دور از افراط و تفریط پذیرفته شده و جایز شمرده شده است. طلاق در اسلام نه به‌طور کلی تحریم شده و نه بی‌قیدی شرط پذیرفته شده است. اینکه حق طلاق را به مرد داده‌اند، به خاطر ارتباط تنگاتنگ قوانین و احکام با طبیعت و فطرت زن و مرد می‌باشد و چون زن و مرد از حقوق نامشابه برخوردارند لذا، اسلام حق طلاق را به مردم داده است.

اما این حقوق تا آنجا برای مرد باقی است که روابط او با زن جریان طبیعی خود را طی کند و مرد همه حقوق زن را پرداخت کند و اگر با وجود همه‌ی این شرایط میل به ادامه زندگی با زن را نداشت می‌تواند او را طلاق دهد.

### حق تأدیب از آثار ریاست مرد

خداوند در آیه‌ی سی و چهارم سوره نساء حق تأدیب را به‌عنوان یکی از آثار و تبعات حق سرپرستی مدنظر دارد و می‌فرماید: «..... و اللاتی تخافون نشوزهنّ فعظوهنّ و اهجروهنّ فی المضاجع و اضربوهنّ....» (نساء/۳۴).

«و زنانی را که از نافرمانی آنان بیم دارید (نخست) پندشان دهید و (بعد) در خوابگاهها از ایشان دوری کنید و (اگر تأثیر نکرد) آنان را بزیند.....».

حضرت امان خمینی (ره) در کتاب تحریرالوسیله می‌نویسد: «اگر از زن نشانه‌های نشوز و طغیان آشکار شود و عادت زن نسبت به شوهر در گفتار و کردار عوض شود، پاسخ او را با سخنان درشت بدهد درحالی‌که قبلاً این چنین نبوده است. در این صورت، مرد او را نصیحت می‌کند، اگر گوش نکرد، نشوز محقق می‌شود، چون با این نافرمانی از اطاعتی مربوط به استمتاع خارج شده است، پس در این‌هنگام جایز است مرد در خوابگاه از بانو کناره بگیرد- در همانجا پشتش را به او کند یا در جای جداگانه‌ای بخوابد- اگر این اثر نکرد، جایز است او را کتک بزند و باید در زدن به حدافلی که امید بازگشت زن می‌رود، اکتفا کند و چنانچه با این مقدار غرض حاصل شود بیشتر جایز نیست ولی اگر اثر نکرد به تدریج آن را شدت بخشد تا جاییکه موجب جراحت نشود و آن قدر شدید نشود که به سیاه شدن یا سرخ شدن بیانجامد و لازم است این کار به قصد اصلاح باشد نه به قصد انتقام‌جویی یا تشفی دل و اگر به‌خاطر این زدن آسیبی به زن برسد غرامت آن بر مرد واجب است» (تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۳۰۵، مسأله ۱).

آنچه از این گفتار معلوم می‌شود این است که تشریح نحوه تأدیب زن به این حقیقت گواه است که قرآن کریم مدیریت را به‌عنوان وظیفه‌ای شرعی و انسانی به مرد محول نموده است و مرد حق ندارد از این وظیفه سوءاستفاده کند و به تضييع حقوق زن پرداخته و یا با هر بهانه‌ای به تنبیه او اقدام کند، بلکه تنها در شرایطی که زن از انجام وظایف خطیرش در خانواده سر باز زند و با هدف اصلاح زن و نه برتری‌جویی نسبت به او با هدف حفظ محیط گرم خانواده و بسترسازی برای تعالی مادی و معنوی افراد خانواده، مرد موظف است که با رعایت ترتیب موجود در آیه به تأدیب زن بپردازد.

به‌عبارت دیگر وقتی زن با پند و موعظه به انجام وظایف خود همت گمارد، مرد حق قهر و هجر را ندارد و مرحله دوم، تأدیب یعنی قهر و هجر تنها زمانی قابل اجراست که پند و موعظه اثربخش نباشد و پس از آن قرآن کریم به‌عنوان سومین راه‌حل اصلاحی تنبیه بدنی را جایز می‌شمارد و آن را تنها در مورد افرادی مجاز می‌داند که هیچ وسیله دیگری درباره آنان مفید واقع نشده است. از بررسی آیات و روایات اولین چیزی که از ریاست شوهر بر بانو به ذهن متبادر می‌شود این است که بانو در اختیار شوهر باشد، موارد ذیل از مصادیق در اختیار شوهر بودن است که از روایات به‌دست می‌آید:

- ۱- خارج نشدن از منزل بدون اذن شوهر (وسایل‌الشیعه، حدیث ۲۵۳۰۰)
- ۲- مهیا شدن بانو برای شوهر (همان، حدیث ۲۴۹۴۲)
- ۳- حرمت خودداری از عرضه به شوهر (همان، حدیث ۲۵۳۰۰)
- ۴- حرمت عرضه خود به غیر شوهر (همان، حدیث ۲۴۹۴۲)
- ۵- جلب رضایت شوهر در عمل به‌عبادات مستحبی غیرمالی و مالی (همان، حدیث ۲۴۴۵۳)
- ۶- اطاعت و عدم نافرمانی شوهر در معروف (همان، حدیث ۲۵۴۵۱)
- ۷- آزارنرساندن به شوهر (همان، حدیث ۲۴۹۵۹)
- ۸- خوش‌رفتاری به شوهر (همان، حدیث ۲۴۹۴۸)

## ریاست شوهر و حقوق زوجه

هرچند ریاست شوهر بر بانو از مسلمات فقه و حقوق اسلامی است و در قانون مدنی در ماده ۱۱۰۵ به آن تصریح گردیده است ولی این نکته را نیز باید خاطرنشان کرد که در مقابل، شوهر نیز ملزم به رعایت احسان و عدل شده است به گونه‌ای که کانون خانواده همیشه گرم و فروزان باشد.

امام خمینی (ره) در این باره نوشته‌اند:

«هریک از بانو و شوهر، بر دیگری حقی دارد که باید آن حقش را بجا آورد، اگرچه حق شوهر بیشتر است. از حقوق شوهر بر بانو آن است که بانو شوهر را اطاعت کرده نافرمانی نکند، بدون اجازه شوهر از منزل خارج نشود...»

«در روایات آمده بانو در صورت شوهر داشتن حق ندارد از مال خود صدقه، هبه و یا نذر کند، مگر در مصرف حج، زکات، نیکی به والدین و صلح رحم...» (تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۰۳).

و نیز درباره حق واجب شوهر بر بانو چنین فرموده‌اند:

«حق بانو بر شوهر این است که شوهر بانو را سیر کند، لباس برای او تهیه کند، او را بپوشاند، و اگر بانو نادانی کرد او را ببخشد و چهره‌اش را برای بانو زشت نکند...» (همان منبع).

اگرچه برای رعایت احتیاط باید گفت به دلیل اطلاق روایات، مطالب یاد شده را حکمت حکم می‌دانیم نه علت حکم، و نیز یادآور می‌شویم لزوم عدم خروج بانو از منزل مگر به اذن شوهر که حکم این است، مساوی با ضرورت عدم خروج بانو از منزل نیست، بلکه امر ضروری، جلب رضایت شوهر در این باره است و به همین خاطر این حکم از وظایف بانو شمرده می‌شود. چنانچه در روایتی از رسول گرامی اسلام این مطلب بیان شده که: «بهترین شما کسی است که برای زنان خود بهترین باشد و من بهترین شما هستم برای زنان خودم» (وسایل الشیعه، باب ۲، ج ۱).

نهایتاً اینکه حقوق شوهر و بانو در اصل حقوق، مشابه هستند. ولی در کیفیت حقوق میان آنها اختلاف وجود دارد.

## نتیجه‌گیری

آنچه از آیات و روایات به دست می‌آید، این است که قوامیت مرد به خانواده اختصاص دارد و مطلق نمی‌باشد و این قوامیت و ریاست منوط به دو شرط است که عبارتند از ویژگی‌های جسمانی، فکری و روحی و وظیفه انفاق.

یعنی این شرط توأماً موجب بروز و نمود وظیفه سرپرستی خانواده برای مرد می‌شود. حال اگر هر یک از دو علت یا هردوی آنها در مردی موجود نبوده و مرد توان سرپرستی خانواده را دارا نباشد، از آن پس مرد حق قوامیت و سرپرستی بر زن و خانواده را نخواهد داشت و این حقوق تا آنجا برای مرد باقی است که روابط او با زن جریان طبیعی خود را طی کند و مرد همه حقوق زن را پرداخت کند.

این مطلب اشعار دارد که اگر مرد نفقه همسر خود را نپردازد، قوام او نیست و وظیفه سرپرستی خانواده به عهده زن است. آنچه که می‌توان اعا کرد این است که قرآن کریم و به تبع آن قانون مدنی بر اساس قوانین نظام آفرینش، قوامیت و سرپرستی مرد را پذیرفته است ولی هرگز به خفت و خواری و مظلومیت زن حکم نکرده است بلکه برای زن حقوق خاصی را قایل می‌باشد و او را در زندگی زناشویی ذیحق می‌داند.

## منابع

- احمدیه، مریم، **طلاق به درخواست زن**، تهران: انتشارات سفیر صبح، ۱۳۸۰ ش.
- حرعاملی، شیخ محمدبن الحسن، **وسایل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه**، دارالحیاط اترات العربی، بیروت، بی تا.
- حکیمی، محمد، **دفاع از حقوق زن**، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۱ ش.
- خمینی، روح اله، **تحریر الوسیله**، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۷۰ ش.
- رشید رضا، محمد، **تفسیر المنار**، بیروت، لبنان، دارالمعرفه، ۱۹۹۳ م.
- صدیق اورعی، غلامرضا، **تمکین بانو ریاست شوهر**، تهران: سفیر صبح، ۱۳۸۰ ش.
- طباطبایی، محمدحسین، **تفسیر المیزان**، مترجم سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳ ش.
- کاتوزیان، ناصر، **حقوق خانواده**، تهران: شرکت انتشار، ۱۳۷۱ ش.
- نجفی، حسن بن باقر، **جواهر الکلام**، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ م.
- نعمتی پیرعلی، دل آراز، **شخصیت زن در قرآن و کتاب مقدس**، قم: نشر مجنون، چاپ شریعت، ۱۳۸۶ ش.
- هاشمی رفسنجانی، علی اکبر، **تفسیر راهنما**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۳ ش.